



مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی

تحقیق هفته

شماره: 471

(16 - 21 حمل 1404 هـ ش)

واکوی سیاست تهدید ترامپ در برابر جمهوری اسلامی ایران



این نشریه هفته‌وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می‌گردد.

آنچه درین شماره می خوانید:

- واکاوی سیاست تهدید ترامپ در برابر جمهوری اسلامی ایران 3
- برجام و آغاز تقابل واشنگتن-تهران 3
- سیاست فشار حداکثری و خودداری از جنگ 4
- طوفان الاقصی و سیر نزولی نفوذ جمهوری اسلامی 6
- ترامپ و تهدید به حمله نظامی 7
- دیدگاه ایران در برابر تهدیدات ترامپ 8
- جایگاه افغانستان در تنش واشنگتن-تهران 8
- نتیجه گیری 9
- پیشنهادات 9
- منابع 10

واکاوی سیاست تهدید ترامپ در برابر جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

پس از اعلام ترامپ مبنی بر ارسال نامه به علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی برای مذاکره مجدد بر سر موضوع هستوی و مخالفت خامنه‌ای به مذاکره مستقیم با واشنگتن، فصل جدیدی از تنش بین واشنگتن و تهران را باز کرده است. گفت‌وگوی تلفونی ترامپ با شبکه ان‌بی‌سی، به تاریخ 30 مارچ که در آن ایران را تهدید کرده است در صورت عدم توافق با واشنگتن بر سره مسئله هستوی، ایران را بمباردمان می‌کند، تنش موجود بین ایران و واشنگتن را به صورت بی‌پیشینه‌ای افزایش داد. رهبر ایران که از ابتدا مخالف مذاکره مستقیم با واشنگتن به ویژه با حکومت ترامپ بود، در واکنش به تهدید ترامپ گفت که "تهدید می‌کنند شرارت خواهند کرد، زیاد احتمال نمی‌دهم از بیرون اقدامی علیه ایران صورت بگیرد، اما اگر از بیرون شرارتی انجام گیرد ضربه محکم و سختی خواهند خورد." به دنبال تنش‌های واشنگتن و تهران، به تاریخ اول اپریل 2025 روزنامه رویترز گزارش داده که واشنگتن 6 جنگنده بی-6 را به منطقه ارسال کرده است. پس از آن پنتاگون اعلام کرده که جنگنده‌های بیشتری را برای تقویت نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا، به منطقه فرستاده است.

آیا تهدید ترامپ برای حمله نظامی به جمهوری اسلامی، واقعی است؟ چرا ترامپ در این دوره ریاست جمهوری تاکید بیشتر بر گزینه نظامی دارد؟ پاسخ احتمالی جمهوری اسلامی ایران به تهدیدات امریکا چی می‌باشد؟ بالاخره، افغانستان در کجای تنش بین واشنگتن و تهران قرار دارد؟ و چه رویکردی را نسبت به تحولات موجود در پیش گیرد؟ در مقاله با بررسی تنش موجود بین تهران و واشنگتن، تلاش صورت گرفته است که به پرسش‌های موجود، پاسخ مناسب ارائه شود.

برجام و آغاز تقابل واشنگتن-تهران

از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تهران روابط تیره و خصمانه‌ای با واشنگتن داشته است. وقتی در سال 2002 واشنگتن ایران را در کنار عراق و کوریای شمالی به عنوان محور شرارت خطاب کرد، و متعاقب آن در سال 2003 به عراق حمله نظامی کرد، ترس اینکه واشنگتن به ایران به هدف سرنگونی جمهوری اسلامی حمله نظامی کند، در روابط دو کشور برقرار گردید. جمهوری اسلامی برای مصئون ماندن از حمله امریکا، از یک سیاست عدم تقابل مستقیم با واشنگتن را در پیش گرفت، و از سوی دیگر، گروه‌های همسوی خود و مخالف امریکا را در منطقه ایجاد و تقویت کرد؛ و همزمان برنامه هستوی و موشکی خود را توسعه بخشید. در نتیجه سیاست عدم تقابل، پس از 2003، جمهوری اسلامی در تمامی لایحه‌های حکومت و جامعه عراق نفوذ کرد. حزب الله لبنان با حمایت مالی و تسلیحاتی ایران به یکی از طرف‌های اصلی

سیاست لبنان مبدل گردید. پس از تحولات موسوم به بهار عربی، جمهوری اسلامی با قرار گرفتن در کنار حکومت اسد، نفوذ ایران را تا سوریه گسترش داد.¹

توسعه برنامه هستوی ایران، توجه جهان به ویژه امریکا را جلب کرد، و باعث شد که تهران تحت تحریم شدید امریکا و جامعه جهانی قرار بگیرد. در سال 2013، واشنگتن همراه با انگلیس، فرانسه، آلمان، روسیه و چین وارد مذاکره هستوی با ایران گردید. در حالی که هنوز مذاکرات هستوی ایران به نتیجه‌ای نرسیده بود که گروه انصارالله یمن که به حوثی‌ها مشهور می‌باشند، در فبروری 2015 قدرت را به صورت کامل در یمن بدست گرفتند. جمهوری اسلامی، از سال‌ها قبل با حوثی‌ها در ارتباط بود، در حقیقت با قدرت گرفتن حوثی‌ها، یمن همچنان به یکی از حوزه‌های نفوذ جمهوری اسلامی مبدل گردید. پس از نزدیک به دو سال گفت‌وگوها در 14 جولای 2015، جمهوری اسلامی موافقت‌نامه برجام را با امریکا، انگلستان، فرانسه، روسیه، چین و آلمان به امضاء رساند. در برجام، واشنگتن و دیگر امضاءکننده‌گان، متعهد شدند که تحریم‌ها بر جمهوری اسلامی را برطرف نموده، و اجازه خواهند داد که ایران وارد اقتصاد جهانی شود.²

بسیاری از صاحب‌نظران و منتقدان برجام باور دارند، که اگر برجام عملی می‌گردید، ایران در یک قدمی ساخت بم اتمی قرار می‌گرفت. و با فروش نفت و تجارت، ایران پول هنگفتی بدست می‌آورد که می‌توانست آنرا هزینه ساخت و خرید سلاح مدرن و کشنده از کشورهای مختلف جهان به شمول امریکا کند. و با در اختیار گذاشتن پول و سلاح بدست‌آمده، در اختیار گروه‌های هم‌سوی خود در منطقه، به یکی از بازیگران قدرتمند در منطقه مبدل میگشت. واشنگتن با امضاء معاهده برجام، نه تنها که جایگاه جمهوری اسلامی را تا سرحد یکی از قدرت‌های منطقه‌ای ارتقاء داد، بلکه زمینه نیرومندتر شدن آنرا نیز فراهم آورد. در حقیقت، واشنگتن با امضاء موافقت‌نامه برجام از راهبرد سنتی امریکا -جلوگیری از یک قدرت بزرگ در خاورمیانه- عدول کرد. دونالد ترامپ که در سال 2016 تازه وارد کارزارهای انتخاباتی برای ریاست‌جمهوری امریکا گردیده بود، برجام را بخاطر عدم شمولیت برنامه موشکی و بالستیک؛ و همچنان اقدامات منطقه‌ای امریکا در تضاد با عظمت امریکا می‌خواند.

و همواره قول میداد که به مجرد پیروزی در انتخابات و ورود به کاخ سفید، امریکا را از برجام خارج می‌کند. ترامپ، پس از پیروز به حملات خود بر برجام ادامه داد. تا اینکه در می 2018 رسماً امریکا را از برجام خارج ساخت. و از جمهوری اسلامی خواست که بخاطر مسئله هستوی و مسائل دیگر باید وارد مذاکره مجدد با واشنگتن گردد. خروج واشنگتن از برجام، فصل جدید از تنش بین واشنگتن و تهران را باز کرد، که تا هنوز پایان آن نامشخص می‌باشد.³

سیاست فشار حداکثری و خودداری از جنگ

ترامپ پس از خروج از برجام، سیاست فشار حداکثر را در برابر جمهوری اسلامی اعمال کرد. در نتیجه این سیاست، واشنگتن شدیدترین تحریم‌ها را علیه جمهوری اسلامی وضع کرد. جمهوری اسلامی در برابر فشارهای امریکا مقاومت کرد، نه تنها که برنامه غنی‌سازی و موشکی خود را توسعه بخشید، بلکه تمویل و تجهیز نیروهای نیابتی خود را در منطقه تشدید نمود. در سال 2020، نیروهای نظامی امریکا به دستور ترامپ جنرال قاسم سلیمانی، فرمانده شاخه قدس سپاه پاسداران، را به قتل رساندند. تهران برای جبران قتل قاسم سلیمانی، به پایگاه‌های امریکا در عراق حمله کرد، هرچند موشک‌ها به پایگاه و اطراف آن اصابت کرد، اما تلفاتی در پی نداشت. قتل قاسم سلیمانی، تنش میان دو کشور را به نقطه اوج‌اش رساند؛ دونالد ترامپ دستور حمله مستقیم نظامی به ایران را صادر کرد. و نیروهای امریکایی را در حالت آماده باش قرار داد. اما ترامپ در دقیقه نود، بخاطر از بین رفتن 150 فرد ملکی، دستور خود را پس گرفت و از حمله به ایران خودداری کرد.⁴

قاسم سلیمانی، مغز متفکر آنچه بنام نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در منطقه شناخته می‌شود بود، با قتل قاسم سلیمانی، سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی با شوکه مواجه گردید که تبعات آن برای جمهوری اسلامی بسیار گران بوده است. ترامپ تا آخرین روز خود در کاخ سفید، سیاست فشار حداکثری را در برابر جمهوری اسلامی دنبال کرد. اما هیچگاهی جسارت حمله نظامی محدود و یا تمام-عیار به ایران را نکرد. هرچند ترامپ وقتی در سال 2020، دستور حمله نظامی خود را واپس گرفت، دلیل آنرا قتل افراد ملکی نامید. اما واقعیت امر این است، که در سال 2020 شرایط منطقه‌ای به گونه‌ای بود که هزینه حمله نظامی امریکا بر ایران نسبت به سود آن بسیار بالا بود. به گونه‌ای نه ترامپ و نه هم هیچ سیاست‌مدار امریکا به خود اجازه استفاده از گزینه نظامی را نمیداد. نیروهای نظامی امریکا درگیر جنگ‌های بی پایان به قول خود امریکایی‌ها، در افغانستان، عراق و سوریه بودند، و قبل از اینکه جنگ در این مناطق را خاتمه دهند، از نظر استراتژیک بسیار دشوار و اشتباه بود که جبهه دیگری را در ایران بگشایند.⁵

در حالی که تا سال 2020، به قول جنرال مکنزی، فرمانده وقت سنتکام، جمهوری اسلامی حدود سه هزار موشک دوربرد و بالستیک در اختیار داشت، که می‌توانست هر منطقه و دولتی را در خاورمیانه مورد هدف قرار بدهد. نیروهای هم‌سو با جمهوری اسلامی عملاً بخش یا کل قدرت را در عراق، لبنان، سوریه، یمن و دیگر مناطق خاورمیانه بدست داشتند. در بحبوحه حمله نظامی امریکا به ایران؛ در سال 2019 حوثی‌های یمن با موشک دوربرد که گفته می‌شود از ایران آنرا بدست آورده بودند، تاسیسات نفتی آرامکو عربستان سعودی را مورد هدف قرار دادند. حمله حوثی‌ها به آرامکو نشان داد، که اگر واشنگتن اقدام به حمله نظامی کند، این حمله محدود به ایران نخواهد ماند، بلکه تمام منطقه را فرا خواهد گرفت، که نخستین و حداقل پیامد آن مختل شدن جریان نفت جهانی می‌باشد. البته ترامپ، تغییر شرایط منطقه‌یی، برنامه عملی خروج سربازان امریکایی از افغانستان عملاً با آغاز مذاکرات مستقیم با امارت اسلامی افغانستان و امضاء

موافقتنامه دوحه روی دست گرفته بود، و تعداد نیروهای نظامی امریکا را در عراق و سوریه به حداقل رساند. اما باختاش در انتخابات 2020، راهبرد منطقه‌یی او را در منطقه ناتمام گذاشت.

وقتی در سال 2021، جو بایدن به کاخ سفید راه یافت، امیدهای زیادی به وجود آمد که بایدن سیاست ترامپ را در برابر ایران تعدیل خواهد کرد، امریکا را دوباره به برجام باز خواهد گرداند، و سیاست فشار حداکثری را کنار خواهد گذاشت. اما بایدن نه سیاست فشار حداکثری را در برابر ایران کنار گذاشت، و نه هم امریکا را به برجام باز گرداند. بایدن با اتخاذ روش دیپلماتیک‌تر و نرم‌تر، سیاست سلف خود را با شدت بیشتر دنبال کرد. تحولاتی که در زمان بایدن در منطقه واقع شد، شرایط را برای دوره بعدی ترامپ به نفع واشنگتن تغییر داد. بایدن، مطابق موافقتنامه دوحه که در زمان ترامپ به امضاء رسیده بود، نیروهای نظامی خود را از افغانستان به صورت کامل خارج کرد. و بدین ترتیب، به جنگ به قول خود امریکایی‌ها بی‌پایان نکته پایان گذاشت. تظاهرات جنبش موسوم به زن، زنده‌گی و آزادی، که ظاهراً به دنبال مرگ مهسا امینی در پاسگاه پولیس اخلاقی ایران اتفاق افتاد، اما بزودی تظاهراتی بی نظیر را در داخل ایران رقم زد، کاخ سفید همراه با دستگاه تبلیغاتی آن به شدت از این تظاهرات حمایت کردند.

هرچند حکومت ایران توانست این جنبش را سرکوب کند، اما این تظاهرات نارضایتی مردم نسبت به نظام را در ایران افزایش داد. چنان‌چه، وقتی در سال 2023 انتخابات ریاست جمهوری ایران برگزار شد، بر اساس آمار رسمی حکومت ایران، تنها چهل در صد واجدین شرایط رای دهی در انتخابات شرکت کردند، و این به قول خود مقامات ایران پائین‌ترین سطح مشارکت در انتخابات جمهوری اسلامی از زمان پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.⁶

طوفان الاقصی و سیر نزولی نفوذ جمهوری اسلامی

طوفان الاقصی و متعاقب آن تجاوز اسرائیل بر غزه، یکی از تحولات مهمی بود که قبل از ورود ترامپ به کاخ سفید برای بار دوم واقع شد. جمهوری اسلامی از ابتدا طوفان الاقصی، هرگونه دست‌داشتن خودش را در این حمله رد کرد و الی اکنون از حمایت لفظی و دیپلماتیک از این حمله فراتر نرفته است. اسرائیل از ابتدائی طوفان الاقصی، جمهوری اسلامی را طراح اصلی و متهم به حمایت مالی و تسلیحاتی از حماس نموده، و بدین ترتیب، پای جمهوری اسلامی را به مسئله حماس کشاند. ایالات متحده پس از طوفان الاقصی، علاوه بر اینکه نیروهای نظامی خود را در منطقه تقویت کرد، از طریق ارایه کمک‌های نظامی، تسلیحاتی و اقتصادی به اسرائیل، عملاً در کنار اسرائیل قرار گرفت.

نیروهای نظامی اسرائیل در اول اپریل 2024، به قنسلگری ایران در سوریه حمله هوایی کردند. ایران برای تلافی حمله اسرائیل، با 300 موشک دوربرد و بالستیک به خاک اسرائیل حمله کرد، هرچند ایالات متحده و متحدین آن حدود 99 درصد این موشک‌های را قبل از رسیدن به خاک اسرائیل خنثی کردند، اما ایران با

حمله به اسرائیل از سیاست سنتی خود مبنی بر خودداری از تقابل مستقیم نظامی با اسرائیل و امریکا عدول کرد، و عملاً دو کشور ایران و اسرائیل پس از این حمله رو در روی هم قرار گرفتند. پس از آنکه اسرائیل اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس را در تهران به شهادت رساندند، و با حمله بر مخفی گاه حزب الله لبنان در 27 سپتامبر 2024، حسن نصرالله، رهبر حماس را به قتل رساند. ایران برای بار دوم با 200 موشک و پهپاد به اسرائیل حمله کرد.⁷ واشنگتن بار دیگر موشک‌های ایران را در فضاء خنثی ساخت، و نشان داد که توانایی دفع حملات موشکی ایران در منطقه را قبل از رسیدن به هدف آن، دارد.

ترامپ و تهدید به حمله نظامی

در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ، شرایط منطقه کاملاً متفاوت و به نفع واشنگتن می‌باشد. ایالات متحده درگیر هیچ جنگ بی پایان در منطقه نیست. جمهوری اسلامی در درون ایران با بحران مشروعیت دسته و پنجه نرم می‌کند. پس از قتل حسن نصرالله، تا اکنون هیچ چاره‌ای برای ساماندهی مجدد حزب الله پیدا نکرده است. همچنان پس از تحولاتی که در سوریه به وجود آمد و در نتیجه آن حکومت بشار اسد سقوط کرد؛ ایران در کنار لبنان سوریه را نیز عملاً از دست داده است. بر اساس گزارش رسانه‌های غربی، پس از دوباره حمله موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل، ایران حداقل یکسال نیاز دارد تا توانایی موشکی خود را بازیابد. و بالاخره، عربستان سعودی روابط عادی با جمهوری اسلامی برقرار کرده، و احتمال این که در صورت تقابل واشنگتن و تهران، جمهوری اسلامی با حمله بر عربستان سعودی، جریان نفت جهانی را مختل نماید از بین رفته است.⁸

این تحولات برای ترامپ جسارت بخشیده که نسبت به دوره اول خود با شدت بیشتر بر جمهوری اسلامی بتازد، و آنرا به مذاکره مجدد و یا هم تقابل نظامی دعوت نماید. جمهوری اسلامی بخاطر عدم اعتماد به واشنگتن از یک طرف و روش غیرمعمول و تهدیدآمیز دعوت ترامپ به مذاکره از سوی دیگر، تا هنوز در برابر فشارهای امریکا مقاومت کرده و نشان داده که به ساده‌گی تن به فشارهای واشنگتن نمیدهد. ترامپ که شرایط منطقه‌ای را به نفع خود می‌بیند، برای اعمال فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی، با آرایش بی سابقه نیروهای نظامی امریکا در منطقه، عملاً دارد جمهوری اسلامی را به حمله مستقیم نظامی تهدید میکند. اینکه ترامپ واقعاً قصد حمله به ایران را دارد و یا خیر؟ واگر قرار باشد حمله کند، آیا این حمله یک حمله تمام عیار خواهد بود و یا یک حمله محدود نظامی؟ و یا هم همانند 2020 در دقیقه نود، واشنگتن از حمله نظامی طفره خواهد رفت؟ پرسش‌های است که حداقل پاسخ آن در حال حاضر مشکل می‌باشد.

اما آن چه را که می‌توان پیش بینی کرد این است که اولاً- احتمال حمله نظامی در مقیاس مختلف، هرچند گزینه بسیار چالش‌زا است، اما از احتمال بدور نیست؛ ثانیاً- حتی اگر امریکا به هر دلیل از حمله مستقیم

نظامی به ایران صرفنظر کند، آن چه منطقه شاهد آن خواهد بود، دوره جدید از تنش میان واشنگتن و تهران است که در آن گزینه نظامی همچنان یکی از گزینه‌های روی میز اطاق بیضوی کاخ سفید خواهد بود.

دیدگاه ایران در برابر تهدیدات ترامپ

علی‌الرغم، تغییرات منطقه‌یی که در سالهای اخیر در منطقه رخ داده که باعث کاهش نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه شده است. جمهوری اسلامی ایران به سه دلیل به ساده‌گی به تهدیدات امریکا تن نخواهد داد: اول - کیش شخصیتی ترامپ؛ از نظر مقامات امریکایی، ترامپ یک سرمایه‌گذار است که مایل به تعامل می‌باشد، که نمی‌خواهد که اقدام به عملی کند که هزینه آن برای امریکا نسبت به سودش بسیار گران باشد. طفره رفتن ترامپ از حمله نظامی به ایران در سال 2019 به بهانه جلوگیری از کشته شدن افراد ملکی، مؤید این دیدگاه در نزد مقامات ایرانی می‌باشد. دوم - شرایط بین‌المللی و منطقه‌یی اجازه نمی‌دهد که امریکا اقدام به حمله نظامی و آغاز جنگ دیگری در منطقه بکند. امریکا در حال حاضر مشغول جنگ اوکراین در اروپا و غزه در خاورمیانه می‌باشد، و احتمال اینکه چین با حمله به تایوان جبهه جدیدی را باز کند، هم بدور از امکان نیست. در این حالت، از نظر ایرانی‌ها، اگر امریکا اقدام به حمله نظامی به جمهوری اسلامی بکند، نه می‌تواند بحران اوکراین را حل کند، و نه هم بصورت موثر در مقابل چین مقابله کرده نمی‌تواند.

سوم - از نظر مقامات ایرانی؛ واشنگتن بخاطر تجربه ناکام خود در افغانستان و عراق، حاضر نیست جنگ بی پایان دیگری را در منطقه آغاز کند، که شعله‌های آن تمام منطقه را بسوزاند. چنانچه، محمدجواد ظریف، وزیر خارجه حکومت حسن روحانی و معاون پیشین مسعود پزشکیان، که برجام در زمان وزارت خارجه او به امضاء رسید، در یکی از سخنرانی‌های خود، صریحاً بیان کرد که امریکایی‌ها پس از 2004 دیگر از گزینه نظامی برای تعقیب اهداف سیاست خارجی خود بهره نمی‌گیرند. و حاضر نیستند که جنگی را به هدف سرنگونی یک دولت در منطقه براه به اندازند. علاوه بر این سخنان عیدی رهبری ایران مبنی بر اینکه احتمال شرارت از خارج نمی‌باشد، نیز مؤید این ادعا ما می‌باشد. باوجودی که مقامات ایران تن به تهدیدات امریکا به این ساده‌گی نخواهد داد، اما احتمال این که حاضر به مذاکره بشوند هم منتفی نیست.

البته ممکن است بخاطر روش غیرمعمول و تهدیدآمیز ترامپ، از مذاکرات علنی خودداری کنند، اما به صورت غیرمستقیم و از طریق کانال‌های سومی ممکن است که با واشنگتن وارد مذاکره شوند.

جایگاه افغانستان در تنش واشنگتن-تهران

امارت اسلامی افغانستان، از ابتدا تنش بین امریکا و ایران، سیاست بی‌طرفی را اتخاذ کرده است. اما اخیراً وزارت خارجه امریکا در یک اقدام غیرمترقبه، بدون ارایه شواهد و اسناد کافی و لازم، امارت



اسلامی افغانستان را یکی از نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در منطقه خواند. به نظر می‌رسد، که چون افغانستان تحت حاکمیت امارت اسلامی به هیچ یک از خواست‌های واشنگتن تمکین نکرد، و زیر بار هیچ نوع فشار امریکا قرار نگرفته است. اکنون با توجه به فضای به وجود آمده، به ویژه تقویت نیروهای نظامی امریکا در منطقه، واشنگتن می‌خواهد با کشیدن افغانستان به منازع امریکا و ایران، امارت اسلامی افغانستان را تحت تاثیر روانی قرار بدهد، تا به خواسته‌های امریکا تن بدهد. انتظاری که با توجه به تجربه چهار سال سیاست و حاکمیت امارت اسلامی، توهمی بیش نمی‌باشد.

نتیجه‌گیری

ترامپ در ماه می 2018 وقتی از برجام خارج شد، بحث مذاکره مجدد را مطرح ساخت، و از جمهوری اسلامی ایران خواست که وارد معامله‌ای جدید با واشنگتن گردد. از همان زمان، ترامپ تهدید کرده است که اگر ایران به معامله جدید تن ندهد، از گزینه نظامی علیه جمهوری اسلامی استفاده خواهد کرد. ترامپ در سال 2019 تمام آماده‌گی‌های حمله بر ایران را تدارک دید، اما از آن صرف‌نظر کرد. چنین به نظر می‌رسد، که اکنون هم تهدید استفاده از حمله نظامی بیشتر برای ایجاد فضای ترس در بین مقامات ایرانی است تا آنها را وادار به مذاکره مطابق میل خود بکند. البته با توجه به تغییراتی که در منطقه در سال‌های اخیر واقع شده است، احتمال اینکه واشنگتن به حمله نظامی محدود، مانند قتل قاسم سلیمانی در سال 2019، اقدام کند، بدور نمی‌باشد. اما آنچه هویدا است، این است که تنش بین واشنگتن و تهران بزودی پایان نخواهد نیافت، و تنش و مقابله ایران و امریکا در سال‌های پیش‌رو پارادایم حاکم سیاست منطقه خواهد بود.

پیشنهادات

- 1- ایران همسایه غربی افغانستان است که دارای مشترکات زیاد فرهنگی، زبانی و تاریخی با افغانستان می‌باشد، بنابراین، هر تحولی در ایران می‌تواند بر شرایط افغانستان تاثیر بگذارد.
- 2- امارت اسلامی می‌باید به سیاست تعامل مثبت خود با جمهوری اسلامی که بر مبنای احترام متقابل استوار می‌باشد، ادامه دهد.
- 3- ایالات متحده نقش و تاثیرگذاری بسزای در تحولات افغانستان دارد، در حال حاضر بزرگ‌ترین مانع به رسمیت شناختن امارت اسلامی افغانستان، واشنگتن می‌باشد.
- 4- هر گونه تقابل امارت اسلامی افغانستان با ایالات متحده امریکا، نتایج ناگواری می‌تواند به هر دو طرف داشته باشد.

5- امارت اسلامی افغانستان برای اینکه بتواند افغانستان را از تبعات منفی تنش واشنگتن و تهران در امان نگاه بدارد، سیاست بی طرفانه مثبت فعلی خود را ادامه بدهد.

منابع

- ¹. "U.S Relations With Iran 1953-2023," COUNCIL on FOREIGN RELATIONS, Link: <https://www.cfr.org/timeline/us-relations-iran-1953-2023>
- ². Robinson, Kali "What is the Iran Nuclear Deal?," COUNCIL ON FOREIGN RELATIONS, October 27, 2023, Link: <https://www.cfr.org/background/what-iran-nuclear-deal>
- ³. Smith, Dan "The US withdrawal from the Iran Deal: One year on," STOCKHOLM INTERNATIONAL PEACE RESEARCH INSITITUR, 7 May 2019, link: <https://www.sipri.org/commentary/expert-comment/2019/us-withdrawal-iran-deal-one-year>
- ⁴ "روزی که ترامپ از حمله به ایران با تلفات 150 نفری صرفنظر کرد،" یورونیوز فارسی، 14/02/2025، لینک: <https://parsi.euronews.com/2025/02/14/day-trump-called-off-attacking-iran-with-150-casualties>
- ⁵. "Iran is weak, and should be ready to negotiate," Washington Post, January 10, 2025, Link: <https://www.washingtonpost.com/world/2024/09/14/iran-engagement-russia-israel-pezeskian/>
- ⁶. Stroul, Dana "The Narrow Path to a New Middle East: A Regional Order to Contain Iran for Good," Foreign Affairs, April 2, 2025, Link: <https://www.foreignaffairs.com/middle-east/narrow-path-new-middle-east>
- ⁷. منتظری، امید "دومین حمله ایران به اسرائیل؛ این بار جنگ در می گیرد؟" بی بی سی فارسی، 1 اکتوبر 2024، لینک: <https://www.bbc.com/persian/articles/cpdq92qv67yo>
- ⁸. Stroul, Dana "The Narrow Path to a New Middle East: A Regional Order to Contain Iran for Good," Foreign Affairs, April 2, 2025, Link: <https://www.foreignaffairs.com/middle-east/narrow-path-new-middle-east>

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی یک نهاد مطالعاتی غیردولتی و غیرانتفاعی می باشد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در شهر کابل بنیان نهاده شده است. این مرکز از طریق پژوهش های دقیق و بی طرفانه خویش به منظور ارزیابی و غنامندی پالیسی ها در افغانستان ومنطقه فعالیت می کند.

ارتباط با ما:

ایمیل: info@csrsaf.org

وب سایت: www.csrsaf.org



+93780618000

تماس: +۹۳۷۸۰۶۱۸۰۰۰



www.csrsaf.org



info@csrsaf.org